

امروز عمل دادگاههای جزا و دادگاه مخصوص اطفال در قسمت تشخیص قوه ممیزه و تعیین وجود و عدم آن - این است که عادتاً وجود قوه ممیزه را نزد مجرمین صغیر منتفی میدانند تا بتوانند مجرمین مزبور را بجای آنکه در زندانهای عمومی برای مدتی که عادتاً طولانی هم نخواهد بود محفوظ سازند در بشکاهای مخصوصی که برای تربیت اطفال و هدایت آنها تأسیس شده است برای مدت طولانی تری نگاهدارند در تشخیص قوه ممیزه از طرف دادگاهها فرقی بین اشخاص بزرگ و خردسال بسایند قابل شد زیرا چنانچه شخص بزرگ مرتکب جرم شود همینقدر که جرم ارتكابی قابل استناد بآن شخص بود آن شخص مسئول است مگر اینکه نبودن قوه ممیزه را در خود اثبات نماید، در صورتیکه بچه مرتکب جرم شود دادرسی برای اینکه بتواند قرار مجرمیت بچه را صادر نماید باید هم در مقام اثبات اسناد و هم اثبات قوه ممیزه بر آید زیرا از طرف مقنن فرض شده بچه که مرتکب جرم میشود فاقد قوه ممیزه بوده مگر اینکه خلاف آن ثابت شود بنا بر این میتوان گفت که در عمل دادگاههای فرانسه قوه ممیزه را بهانه برای فرستادن مجرم غیر بالغ به بشکاهای مزبور قرار داده اند و اگر قاضی در حکم خود مجرم غیر بالغ را غیر ممیز میخواند از باب این است که خواسته است واقعاً قوه ادراک خوب از بد را از مجرم مزبور منتفی بداند بلکه برای این است که خواسته است باین وسیله راه تربیت را برای مجرم جوان که شروع بانحراف و تخلفی از راه راست کرده است باز دارد.

احکام و تصمیمات دادگاههای مخصوص خردسالان قابل تجدید نظر میباشد باین معنی که نسبت باحکام عیابی میتوان اعتراض نمود و از احکام محاکم بدوی می توان تقاضای پژوهش نمود و احکام صادره از مرحله استینافی قابل فرجام میباشد. برخلاف احکام صادره از دادگاههای مربوطه به بچه های سیزده ساله احکامی که از محاکم مربوطه به بچه های ۱۳ ساله تا هیجده سال صادر میشود جز از طرف خود آن محاکم قابل فسخ نمیشود.

تأثیر جنون در مسئولیت جزائی

دوره عمر را از نظر جزائی میتوان از لحاظ دیگر بدو قسمت تقسیم کرد.

(۲۲۲)

اول - دوره‌ای که قوه ممیزه کامل نشده و بنا بر این مسئولیت جزایی متوجه مجرم نخواهد بود.

دوم - دوره دوم در صورتی است که قوه ممیزه بحد کمال رسیده و مجرم از نظر جزایی بالغ محسوب شده و مسئول اعمال خود تشخیص میگیرد و عوارضی که ممکن است سبب نقص قوه ممیزه شوند امکان است در اثر عوارض خلقتی یا مزاجی یا نسلی که از رشد و نمو قوای دماغی جلوگیری می‌کند و بعضی وقت عوارضی هستند که پس از آنکه قوای دماغی بحد اعلائی رشد رسیده باعث اختلال قوای دماغی میشوند در هر يك از این دو صورت چنانچه شخصی مرتکب عمل خلاف قانونی شود از لحاظ اینکه مشخص و ممیزه عملیات خود نیست قابل مجازات نخواهد بود.

ولی بخلاف صغر سن بایستی اختلال دماغ و زوال قوه ممیزه را اثبات نمود بنا بر این اگر در جریان استنطاق اختلال مشاعر مجرم در نزد قاضی تحقیق ثابت شد قرار منع تعقیب جزایی متهم صادر میشود همچنین اگر قاضی و دادستان مجرم را سالم تشخیص دادند ولی اختلال مشاعر مجرم در مرحله دادرسی ظاهر و اثبات شد حکم عدم قابلیت تعقیب از دادگاه صادر خواهد شد.

جنون و وضعیت احتمالی آن - ممکن است فاعل جرم در موقعی که مرتکب جرم میشود مجنون باشد و ممکن هم هست که حالت جنون بعد از ارتکاب جرم یعنی در اثناء تعقیب و یا محکومیت برای او پیدا شود بدیهی است که در صورت اول یعنی در صورتیکه مجرم در موقع ارتکاب جرم مجنون باشد مصون از تعقیب بوده و فاقد مسئولیت جزایی است، در صورت ثانی آثار جنون فقط متوجه شرایط تعقیب یا اجرای مجازات خواهد شد.

جنون در حال ارتکاب جرم - قسمت اخیر ماده (۴۰) قانون مجازات عمومی نسبت به مجرمینی که در حال جنون مرتکب جرم شده اند چنین دستور میدهد که باید آنها را بدار المجانین تسلیم کرد قانون مصوب مردادماه ۱۳۰۷ تکلیف محکومین بحبس را که قبل از انجام مدت حبس مبتلا به جنون شوند معین کرده و چنین مقرر میدارد که محبوسین مزبور پس از تصدیق طبیب قانونی به نزد یکترین دارالمجانین که مقتضی باشد